



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: زوج یا زوجه تنها وارث باشند / میراث الأزواج.

بحث درباره ارث زوج و زوجه نسبت به هم بود در صورتی که وارث دیگری در بین نباشد یعنی زوج فوت کرده و تنها زوجه وارث اوست و یا اینکه زوجه فوت کرده و تنها زوج وارث او می باشد.

در مورد صورت اول که زوجه فوت کرده و تنها وارث زوج می باشد گفتیم که مشهور فرمودند بلکه اجماع داریم که تمام مال به زوج می رسد نصفش فرضاً و نصف دیگر ردأ و گفتیم که روایات مربوط به این صورت در باب ۳ از ابواب میراث الأزواج ذکر شده، عرض کردیم در این باب دو خبر یعنی اخبار ۸ و ۹ بر خلاف بقیه اخبار می باشند که در آنها گفته شده: "لا يكون الرد علی زوج و زوجة" لذا ما ناچاریم این دو خبر را که در مقابل اخبار کثیره ای که اکثراً صحیح السند هستند و مورد عمل فقهاء ما نیز می باشند اگر قابل توجیه هستند توجیه کنیم و إلا آنها را رد کنیم که صاحب وسائل اینطور توجیه کرده که این دو خبر حمل می شوند بر جائی که وارث دیگری در بین باشد علی ای حال اگر این دو خبر قابل توجیه باشند آنها را توجیه می کنیم و إلا رد می کنیم.

صورت دوم جائی بود که زوج فوت کرده و تنها وارث زوجه می باشد، صاحب جواهر در اینجا سه قول ذکر کرده و اینطور فرموده: «(و) أما الزوجة حيث لا وارث غيرها عدا الامام عليه السلام ف (مل) ها أي (الزوجة الربع) قطعاً (وهل يرد عليها؟ فيه أقوال ثلاثة : أحدها : يرد) وهو المحكي عن ظاهر المفيد ، لصحيح أبي بصير عن الباقر عليه السلام (خبر ۶ از باب ۴ از ابواب میراث الأزواج) قال له : " رجل مات وترك امرأته ، قال : المال

لها ، فقال له : امرأة ماتت وترك زوجها ، قال : المال له... إلى آخر كلامه الشريف»^۱.

خبری که شیخ مفید به آن استناد کرده این خبر است: ﴿محمد بن علي بن الحسين باسناده عن محمد بن أبي عمير، عن أبان بن عثمان، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام في امرأة ماتت وترك زوجها قال: المال كله له، قلت: فالرجل يموت ويترك امرأته قال: المال لها.﴾^۲.

خبر در اعلى درجه صحت می باشد و دلالت دارد بر اینکه اگر زوج فوت کند و تنها وارثش زوجه باشد کل مال به زوجه می رسد یعنی ربع آن بالفرض و سه ربع دیگر ردأ به او داده می شود.

این خبر با اخبار دیگری که دلالت دارند بر اینکه ربع مال به زوجه می رسد و الباقی به امام علیه السلام داده می شود تعارض دارند، اخبار مذکور در باب چهارم از ابواب میراث الأزواج ذکر شده اند و عنوان باب این است: "میراث الزوجة إذا انفردت" و بنده نوشته ام: "ما دل علی عدم الرد علی الزوجة فی صورة عدم وجود الوارث غیر الإمام و كان الباقي للإمام" مثلاً در خبر اول باب که از علی بن مهزیار نقل شده و سنداً صحیح می باشد گفته شده سهم زن داده شود و "یتصدق بالباقي" و در خبر دوم که صحیح است نیز گفته شده: "أعط المرأة الربع واحمل الباقي إلینا" و در خبر سوم و چهارم که موثق و از ابی بصیر هستند گفته شده: "للمرأة الربع، وما بقي فللامام" و در خبر پنجم که سنداً ضعیف است گفته شده: "لها الربع، ويرفع الباقي إلینا" و در خبر هفتم گفته شده: "لها الربع، ويدفع الباقي إلى الامام" و در خبر هشتم که صحیح است گفته شده: "والمرأة لها الربع وما بقي

^۱ جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۸۰، ط ۴۳ جلدی.

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۱۵، ابواب میراث الأزواج، باب ۴، حدیث ۶، ط الإسلامية.

أنه قريب من الصواب ، بل في المسالك حكايته عن نجيب الدين يحيى بن سعيد والعلامة في التحرير والتلخيص والإرشاد والشهيد في اللمعة محتجين له بأنه وجه جمع بين الأخبار (جمع تبرعى) ، بحمل نصوص عدم الرد على الحضور وصحيح الرد على الغيبة.

وهو كما ترى بل عن ابن إدريس أنه جمع بما هو أبعد مما بين المشرق والمغرب ، بل في المسالك " أن الخبر الصحيح مشتمل على سؤال الباقر عليه السلام وهو حي ظاهر ، فكيف يحمل ما فيه من الرد على زمن الغيبة الذي هو متأخر عن زمانه الذي قد أجاب بالرد فيه بمائة وخمسين سنة؟! "

قلت : اللهم إلا أن يلحق زمانه باعتبار قصور يده بزمن الغيبة ، كما ألحق في غير ذلك مما يرجع إلى الامام عليه السلام كصلاة الجمعة وإقامة الحدود وغيرها ، لكنه حينئذ معارض بخبر ابن نعيم الصحاف قال : " مات محمد بن أبي عمير وأوصى إلى وترك امرأة ولم يترك وارثا غيرها ، فكتبت إلى العبد الصالح عليه السلام فكتب إلى أعط المرأة الربع ، واحمل الباقي إلينا" .^۳

این اشکال به کلام این فقهاء که از اعلام می باشند وارد است که البته صاحب جواهر به بیانی که گذشت کلام این بزرگواران را توجیه کردند که این توجیه نیز حرف دارد. بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

فللامام" ، خب اینها اخباری هستند که اکثرا صحیح اند و مورد عمل فقهاء ما می باشند و دلالت دارند بر این مطلب که باقیمانده مال باید به امام داده شود، البته همانطور که عرض کردیم خبر ۶ و ۹ بر خلاف این اخبار هستند و دلالت دارند بر اینکه الباقی مال نیز به زوجه داده می شود منتهی باید اینها را توجیه کنیم و توجیه آنها به این صورت است که حمل بر وجود وارث دیگر می شوند و ما قائل نیستیم به اینکه کل مال متعلق به زن باشد.

بعضی از دوستان نوشته اند چطور شده که در این مسئله در اخبار اهل بیت علیهم السلام بین زن و مرد فرق گذاشته شده؟ در اول کتاب ارث روایتی از ابن ابی العوجاء خواندم که مطلبی را به امام علیه السلام گفته بود و پرسیده بود ؛ ما بال المرأة المسکينة الضعیفة؟ که حضرت در جواب فرموده بودند بی خود دلسوزی می کند ما باید تمام احکام شرع را باهم نگاه کنیم، خداوند متعال برای مرد یک وظائفی معین کرده که برای انجاشان باید مالش را خرج کند و آن وظائف را زن ندارد و حتی مخارج خود زن نیز به عهده مرد است فلذا در مسئله ارث خداوند متعال اینجور برای مرد و زن تشریع کرده و همچنین روایات فراوانی در باب فضیلتها و ثوابها برای زن ذکر شده که برای مرد بیان نشده، آیت الله طباطبائی اعلى الله مقامه نیز در این رابطه بحث مفصلي کرده که مراجعه و مطالعه بفرمائید.

صاحب جواهر در ادامه کلامشان فرمودند عده ای بین زمان حضور و غیبت امام علیه السلام فرق گذاشته اند و فرموده اند اگر امام حاضر است ربع به زن داده می شود و الباقی به امام ولی اگر امام غائب باشد تمام مال به زن داده می شود، کلام صاحب جواهر این است: « (والثالث :) أنه (یرد) علیها (مع عدم) حضور (الامام علیه السلام) نحو هذا الزمان (لا مع وجوده) وهو المحكي عن الصدوق والشيخ في كتابي الأخبار (تهذيب و استبصار) ، بل في المحكي من نهايته

^۳ جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۸۱، ط ۴۳ جلدی.